

Explanation of the Role of Cognitive Components in the Formation of the Islamic Revolution as a Social Phenomenon from the Perspective of the Holy Qur'an

Kamran Oveysi¹

Abstract

Whenever political and sociological scientists want to present a theory about the revolution, they first establish a basis and apply it to all kinds of revolutions in the world. Therefore, except for some fair scholars, other theorists such as Marx, Weber, Abrahamian, Fanon and Tedgar have attributed to revolutions purely economic or social and psychological purposes as well as political violence. The following article attempts to study the most important cognitive components of formation of the Iranian Islamic Revolution in the Qur'an, which was conducted by the method of library collection in an analytical-descriptive way with a focus on the possible interpretations of the Qur'an within the framework of the interpretive study.

In this research, the belief in the necessity of forming an Islamic government is based on the verses indicating the establishment of a government and the implementation of the rulings, as well as the belief in the continuity of the leadership and rule of the Prophet (PBUH) through the theory of the guardianship of the jurist, with attention to the basis of establishing justice in society, and the importance of applying the rule of Nafy Al-Sabil, which are among the components concerning the government and some others concerning the nation (Ummah) are such as increasing insight, awareness of the importance of perseverance, attention to the role of unity, knowing the enemy, and paving the way for the realization of the divine Sunnah represented in changing the nation by the their own hands.

Keywords: Islamic Revolution, Government and Nation, Formation of the Islamic Revolution, Quran, Cognitive Components



1- Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Studies, University of Islamic Studies, Qom, Iran, oveysi@maaref.ac.ir





تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸

20.1001.1.30605644.1403.4.2.3.8

10.22034/arq.2024.206181



نوع مقاله: علمی پژوهشی

تبیین نقش مؤلفه‌های بینشی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی به‌مثابه پدیده‌ای اجتماعی از منظر قرآن

کامران اویسی^۱

چکیده

دانشمندان علوم سیاسی و اجتماعی در هنگامه ارائه نظریه درباره انقلاب‌ها، اصلی را تأسیس نموده و به همه مصادیق انقلاب جهان تسری می‌دهند و به‌جز برخی از دانشمندان منصف، دیگرانی چون مارکس، وبر، آبراهامیان، فانون، تدگار، منشأ صرفاً اقتصادی یا اجتماعی و روان‌شناختی یا خشونت سیاسی برای انقلاب‌ها قائل شده‌اند. مقاله پیش رو درصدد است مهم‌ترین مؤلفه‌های بینشی شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران را در قرآن مورد بررسی قرار دهد که با روش گردآوری کتابخانه‌ای و به شیوه تحلیلی-توصیفی با محوریت برداشت‌های احتمالی از قرآن در بستر مطالعه تفسیری صورت گرفته است. در این پژوهش، باور به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در قالب آیات دال بر نظام‌سازی و به فعلیت رساندن اجرای احکام، نیز اعتقاد به استمرار شئون رهبری و داوری پیامبر (ص) در قالب نظریه ولایت فقیه، توجه به بسترسازی برپایی قسط در جامعه، التفات به اهمیت اجرای قاعده نفی سبیل از جمله مؤلفه‌های بینشی مربوط به ساختار حکومت و مؤلفه‌های بینشی بصیرت، آگاهی نسبت به جایگاه استقامت، التفات به نقش اتحاد، دشمن‌شناسی، توجه به فضا‌سازی سنت الهی تغییر قوم به دست خود، مربوط به نهاد مردم است.

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی، حکومت و مردم، شکل‌گیری انقلاب اسلامی، قرآن، مؤلفه‌های بینشی.

۱- دانشجویار گروه معارف قرآن و حدیث، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران، oveysi@maaref.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.



۱. مقدمه

انقلاب اسلامی ایران با انقلاب فرانسه و روسیه و چین در محتوا و انگیزه‌ها تفاوت دارد؛ زیرا به نحو کلی آن سه انقلاب بر اساس انگیزه‌های غیرمذهبی و متأثر از داعیه‌های اقتصادی و سیاسی اتفاق افتاد (صدیقی، ۱۳۷۸: ۱۱۱)؛ اما در انقلاب اسلامی ایران، به فرموده امام خمینی (ره) به جهت الهی بودن با دیگر انقلاب‌ها تفاوت وجود داشت (زاده علی، ۱۳۹۲: ۳۳).

اهمیت ایدئولوژی مؤثر در انقلاب اسلامی به‌ویژه مؤلفه‌های قرآنی زمانی هویدا می‌گردد که اساس صدور آن به دیگر کشورها به‌ویژه اسلامی، تأکید بر وجه مشترک آن‌ها یعنی قرآن باشد. چنان‌که جنبش‌های برگرفته از انقلاب اسلامی در قالب حزب‌های «امل» و «حزب‌الله» لبنان، «حزب الدعوة الاسلامی» و «حشد الشعبی» عراق، «سازمان انقلاب اسلامی شبه جزیره عربستان» در استان قطیف عربستان، «جبهه اسلامی برای آزادی بحرین»، «حزب‌الله کویت»، «سازمان جماعة الاسلامیة»، «جبهه نجات اسلامی» الجزایر، «جنبش گرایش اسلامی» تونس، «جهاد اسلامی» فلسطین را می‌توان نام برد (ر.ک: ملکوتیان، ۱۳۹۰: ۱۹۵-۱۹۸). مقاله حاضر شرح مبتنی بر تئوری تفسیری مؤلفه‌های پارادایم گونه انقلاب اسلامی ایران برای نشان دادن وجاهت علمی-دینی آن‌ها در بستر دانش تفسیر قرآن است. پرسش محوری این پژوهش این است که مؤلفه‌های بینشی انقلاب اسلامی ایران در بستر قرآن، کدام‌اند و چگونه تبیین می‌شوند؟ «مؤلفه» از ریشه «أَلَفَ» به معنای وصل نمودن و ایجاد وابستگی و علاقه بوده (زبیدی، ۱۴۱۴ ق: ۱۲، ۹۰)، به همین سبب، دهخدا یکی از معانی آن را شاخص و ویژگی‌های خاص یک امر تعریف نموده است. (دهخدا، ۱۳۹۰: ۲، ۲۸۶۲) گویا عنصر یا اجزای تشکیل‌دهنده یک موضوع که بدون داشتن آن‌ها نمی‌توان آن موضوع را تجزیه و تحلیل نمود، مؤلفه آن محسوب می‌گردند که در برخی منابع دانش‌های اسلامی به شکل واژه «مَقْوَم» به همین معنا به‌عنوان قوام‌بخش و عنصر اصلی یک موضوع و ماهیت نیز آورده شده است (جرجانی، ۱۳۷۰: ۷۲). منظور از «بینشی» آن چیزی است که به‌عنوان فکر و اندیشه مؤثر در شخصیت انسان، نیز صفتی در مقابل اوصاف دیگر مقوله‌های

مشهور انسان‌شناختی یعنی گرایش به معنی‌کشش‌ها و تمایل‌های قلبی و رفتار به معنای کنش و واکنش‌های خروجی انسان است. پس «مؤلفه بینشی» یعنی آن عنصری که در ماهیت یا قوام‌بخشی یک موضوع جهت‌فکری نه احساسی و نه عملکردی، اثرگذار باشد. در این پژوهش، مقصود از «مؤلفه بینشی» در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، عناصر فکری برخاسته از آموزه‌های انسانی یا اجتماعی مستند به قرآن است که در تکوین این انقلاب مستقیم یا غیرمستقیم مؤثر بوده‌اند. به گونه‌ای که جدا کردن انقلاب اسلامی ایران از آن‌ها ناممکن یا بعید می‌نماید. توضیح تفصیلی این سطوح سه‌گانه انسان‌شناختی بینش، گرایش و رفتار^۱ در چارچوب نظری پژوهش حاضر تبیین خواهد شد.

مقاله‌هایی در باب استنادات قرآنی انقلاب ایران وجود دارد مانند «پیوند قرآن و انقلاب اسلامی در اندیشه و سیره امام خمینی»، تألیف اکبری دستک (۱۳۹۶)، همچنین مقاله «مبانی قرآنی انقلاب اسلامی از نگاه امام خمینی (رحمة‌الله)» به قلم بهشتی (۱۳۸۸) منتشر در مجموعه مقالات همایش اندیشه‌های قرآنی امام خمینی به دو بحث مشروعیت حکومت و حاکمیت خدا و سپس رسالت جهانی انقلاب اسلامی اشاره دارد. مقاله دیگری که قبل ذکر است «بررسی مبانی قرآنی انقلاب اسلامی ایران» تألیف اسماعیلی (۱۳۹۶) چاپ‌شده در مجموعه مقالات برگزیده دهمین همایش بین‌المللی پژوهش‌های قرآنی با نگاهی عام به مبانی اعتقادی و سیاسی آن، به گردآوری مباحثی پرداخته است. «مبانی انقلاب اسلامی در قرآن و روایات (با تأکید بر دیدگاه امام و آیت‌الله خامنه‌ای)» در سه صفحه به قلم محمدی (۱۳۹۷) دیگر نوشته‌ای است که در مجله پاسدار اسلام به چاپ رسیده است. همچنین «بازخوانی کاربست قرآن مجید در انقلاب اسلامی با تأکید بر اندیشه سیاسی امام خمینی» نوشته لک زایی (۱۳۹۹) قابل ذکر است. آن‌ها گاه از علل انقلاب سخن گفته‌اند نه مبانی و گاه موضوعاتی را به‌صورت استقرایی، ناظر به دیدگاه امامین انقلاب گردآوری نموده‌اند و دایره پژوهش را به مستندیابی صریح یا ضمنی بیانات سوق داده‌اند.

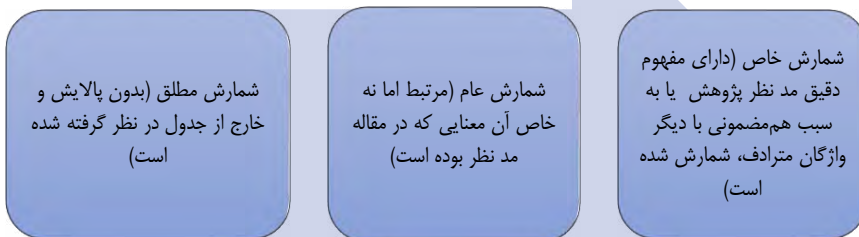
۱- برخی از محققان معاصر، سه سطح انسان‌شناختی را در قالب بینش، منش و کنش نام‌گذاری کرده‌اند که مفهوماً با مبانی این نوشتار مشابهت دارد (خسروپناه، ۱۴۰۰: ۱۲۲).

اما رویکرد پژوهش حاضر به عنوان تفسیر قرآن با گرایش سیاسی و اجتماعی تلقی می‌گردد که سعی دارد تا با مطالعه بیرونی در دانش علوم سیاسی مرتبط با انقلاب‌ها و مطالعه درونی در قرآن و مؤلفه‌های قوام‌بخش انقلاب اسلامی ایران، محدود به دایره بینش پژوهش نماید.

۲. روش پژوهش

روش تحقیق این نوشتار، از نظر گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و ازلحاظ تبیین، توصیفی و تحلیلی است. لازم به ذکر است که پس از مطالعه کتاب‌های مربوط به نظریه‌های انقلاب اسلامی ایران و نیز منویات امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای به عنوان رهبران بنیان‌گذار و ثبات‌بخش انقلاب اسلامی ایران و با توجه به پیشینه پژوهش در این زمینه، به کشف کلیدواژه‌های مهم مرتبط با مؤلفه‌های بینشی انقلاب اسلامی در قرآن و تفسیر آیات مورد نظر پرداخته می‌شود.

با این توضیح که ابتدا مؤلفه‌های بینشی تکوین‌دهنده انقلاب بر اساس نظریه‌پردازی پژوهشگران انقلاب درباره ایران استخراج شده و پس از راستی‌آزمایی و عرضه به قرآن بر مبنای مستندیابی قرآنی، اعتباربخشی شده است. در مرحله بعد، واژگان مرتبط با هر یک از مؤلفه‌های بینشی انقلاب ساز، در کلام رهبران جمهوری اسلامی کشف و ازلحاظ کمی تعداد آن‌ها در صحیفه امام و نیز سایت رسمی مقام معظم رهبری احصا شده است. سپس مواردی که از بحث خروج موضوعی داشته و باینکه این کلمه ظاهراً به پژوهش حاضر مرتبط بوده اما سیاقی که در آن به کاررفته ارتباطی با این پژوهش ندارد، کنار گذاشته شده است. مثلاً بحث دشمن‌شناسی به صورت کلی با مباحث این مقاله ارتباط دارد؛ اما کاربردی از آن مدنظر است که نقش آن را در تکوین انقلاب اسلامی ایران بیان کند. پس این واژه، اگر درباره دفاع مقدس و دیگر مسائل پس از انقلاب به کار رود، از شمارش تخصصی بیرون گذاشته می‌شود؛ از این رو دو نوع شماره در جدول وجود دارد شمارش کلی یک واژه، فارغ از ارتباط تخصصی داشتن با پژوهش حاضر و سپس شمارش تخصصی. سپس واژه‌های مذکور یا همگنان آن‌ها در قرآن مستندیابی شده و مورد عرضه به قرآن و استفاده در استدلال قرار گرفته‌اند.



تعداد در سایت مقام معظم رهبری		تعداد در صحیفه امام		واژه نشان‌دهنده مؤلفه
مرتبط به نحو خاص	مرتبط به نحو عام	مرتبط به نحو خاص	مرتبط به نحو عام	
۶۲۹	۸۵۶	۷۱	۷۶	ولایت فقیه
۸۰۳	۱۴۱۶	۳۲	۴۴	ولی فقیه
۷۹۲	۸۲۲	۲۹	۲۹	تشکیل حکومت
۴۹	۵۲	۱۹۹۰	۲۳۳۱	جمهوریت
۱۰۲۹	۱۷۴۴	۰ (هم مضمون = ۲۸)	۰ (هم مضمون = ۷۴)	نظام‌سازی
۲۱۲	۵۰۰	۲۷	۳۶	اجرای احکام
۴۶۳ (هم مضمون = ۱۲۴۳)	۳۵۱۳ (هم مضمون = ۷۵۲۱)	۸۹ (هم مضمون = ۱۷۳)	۲۴۹ (هم مضمون = ۵۹۱)	جایگاه رهبری
۲۲ (هم مضمون = ۲۱۹)	۷۸ (هم مضمون = ۱۰۸)	۴۳۲ (هم مضمون = ۶۰۶)	۱۰۲۱ (هم مضمون = ۱۵۲۱)	داوری
۱۴ (هم مضمون = ۳۷)	۸۲ (هم مضمون = ۱۸۹)	۹ (هم مضمون = ۲۱)	۱۵ (هم مضمون = ۳۸)	قسط

تعداد در سایت مقام معظم رهبری		تعداد در صحیفه امام		واژه نشان دهنده مؤلفه
مرتبط به نحو خاص	مرتبط به نحو عام	مرتبط به نحو خاص	مرتبط به نحو عام	
۵۴	۵۴	۰ (هم مضمون = ۴)	۰ (هم مضمون = ۴)	نفی سبیل
۷۲۱	۹۴۵	۱۷	۲۲	بصیرت
۹۳۸	۱۴۴۶	۱۰۱	۱۷۵	استقامت
۱۰۵۹	۲۰۶۱	۱۱	۱۸	مقاومت
۸۸۶	۱۲۰۵	۳۱۹	۴۲۱	اتحاد
۱۰۱۳	۱۷۰۳	۹۹۵	۱۰۱۲	وحدت
۲۱۱۹	۲۳۰۸	۰ (هم مضمون = ۷۸)	۰	دشمن شناسی
۲۰۵۲	۲۲۷۷	۱ (هم مضمون = ۱۱۳)	۱	شناخت دشمن
۵۵۶	۸۷۰	۰ (هم مضمون = ۱۳)	۰	تغییر به دست خود
۹۰۰	۹۶۸	۱۲	۱۵	سرنوشت ملت

۳. پیش فهم‌های بنیادین

پیش از ورود به بحث، لازم است تا برخی دیدگاه‌های مرتبط با عوامل تحقق انقلاب‌ها و ویژگی يك انقلاب به عنوان پیش فهم‌های بنیادین بیان گردند. برخی پژوهشگران، ویژگی انقلاب‌ها را این گونه برشمرده‌اند: نارضایتی عمیق از حاکمیت موجود، وجود رهبر همراه با ساختارهای بسیج‌گرا و توده محور و مردم‌نهاد تحت زعامت او و به بیان روشن‌تر وجود یک رهبر کاریزماتیک مردمی با پشتیبانی ملی، قومی یا مذهبی، گسترش و پذیرش ایدئولوژی جایگزین (ر.ک: اخترشهر و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۴). پاسخ مثبت اینکه آیا می‌توان همراهی انقلاب اسلامی ایران با تغییر ایدئولوژیکی را در بسترهای مکتبی آن ایدئولوژیک جدید، پیگیری و کشف نمود، در دیدگاه برخی از پژوهشگران علوم اجتماعی وجود دارد. به‌عنوان نمونه اسکاچپول در مقاله دولت تحصیلدار و انقلاب شیعی

ایران، معتقد است که انقلاب اسلامی ایران تمامی ویژگی‌های یک انقلاب بزرگ را دارد؛ با این تفاوت که تنها انقلاب آگاهانه، انقلاب اسلامی ایران بوده است (عیوضی، ۱۳۹۱: ۱۲۴-۱۲۵)؛ بنابراین با پذیرش مبانی ایدئولوژیکی انقلاب اسلامی ایران، نظریه‌های مهم مرتبط با انقلاب‌ها بیان می‌شود.

نظریه‌پردازی پیشاانقلابی اندیشوران انقلاب: غالب نظریه‌های انقلاب، عنصری مانند مشارکت مردمی و حضور توده‌ها را از لوازم قوام‌بخش مفهوم انقلاب می‌دانند؛ مانند تقسیم‌بندی چهارگانه جانسون بدین شکل که: در نظریاتی مانند نظریه معطوف به بازیگر، نظریه پرداز به علل جذب افراد و توده‌ها به سوی کنش انقلابی می‌رود. از جهت ساختن ساختار دینی حکمرانی نیز انقلاب اسلامی ایران، در نظریه‌های ساختاری که فرآیند انقلاب را برای ساختار سازی بازتعریف کرده‌اند، قابل بررسی است. همچنین نظریه‌های تقارن و حتی فرآیند هم به بخش نهاد مردم در شکل‌گیری انقلاب‌ها التفات ویژه دارند (ر.ک: منوچهری، ۱۳۸۰: ۳). در دیدگاه‌های سوسیالیستی مارکس، کاریزمایی ماکس وبر یا نظریه‌پردازان دیگر مانند دوتوکویل نیز نهاد مردم نقش مهمی در تکوین انقلاب‌ها دارند که در برخی پررنگ‌تر است (ر.ک: بشریه، ۱۳۷۳: ۲۱-۷۵). از سوی دیگر تشکیل جمهوری اسلامی، برخاسته از نظریه مردم‌سالاری دینی است و نهاد مردم نقش مهمی در تشکیل و استمرار حکومت اسلامی دارد؛ یعنی در پایه ساختار شکلی خود شباهت‌هایی به دموکراسی به معنای ساختار مردم‌نهاد حکمرانی دارد؛ زیرا دموکراسی بدین معنا فقط تأکید بر مشارکت مردم در تصمیم‌های سیاسی بدون تعیین شیوه خاص آن است (ر.ک: پوپر، ۱۳۶۷: ۱۱۹)؛ اما قواعد نقش‌آفرینی نهاد مردم نیز بر اساس آموزه‌های دینی چون حق‌والی بر رعیت و حق رعیت بر والی (رضی، ۱۴۱۴ ق: ۳۳۳) دیده شده است. بنیان‌گذار کبیر انقلاب و اندیشوران کمیته انقلاب، هنگام سخنرانی‌ها و جلسه‌های پیشاانقلابی، به‌ویژه در آستانه آن، به جمهوریت و اسلامیت توأمان نگاه اولویت‌داری داشته‌اند و با استفاده از نظریه مترقی ولایت فقیه و نیز اسلامی سازی دموکراسی تلاش فکری جهت تنقیح و تتوری سازی انقلاب و سپس نظام مبتنی بر آن داشته‌اند؛ بنابراین پرداخت به مؤلفه‌های ساختاری در این

که به باور انسان نسبت به قوانین هستی اجتماعی، اطلاق می‌شود (ر.ک: ساروخانی، ۱۳۹۳: ۱۴). نکته مهم اذعان برخی از جامعه‌شناسان مانند کوهن و لاکاتوش درباره تأثیر مباحث متافیزیکی مانند بینش متأثر از متون مقدس در پارادایم‌ها است (ر.ک: امیری‌طهرانی‌زاده، ۱۳۹۹: ۶۹). همین معنا با توجه به سنخ مطالعات انقلاب اسلامی که ناظر به انسان و اجتماع است، قابل‌پذیرش است.

گرایش آن‌کس درونی است که انسان نسبت به اعیان و افعال و افکار پیدا می‌کند؛ مانند تمایل به جاودانگی، مادیات، دنیا (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۲: ج ۳، ۴۹۲-۵۰۱). متخصصان جامعه‌شناسی مانند دورکیم و شلر، افراط یا تفریط در گرایش را سبب خروج از حالت طبیعی می‌دانند (ر.ک: امیری‌طهرانی‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۱۳).

رفتار، بروزهای عملکردی خارجی است که در این حالت به آن کنش - واکنش گفته می‌شود (ر.ک: هوکسما و دیگران، ۱۳۸۶: ۶۵)؛ بنابراین بینش‌های رفتار ساز، غیر از خود رفتار هستند و دشمن‌شناسی و نه خود مبارزه، توجه و التفات به نقش اتحاد نه خود اتحاد و شناسایی جایگاه استقامت و نه نفس استقامت، از مقوله‌های بینشی هستند. بحث از ساختار حکومت نیز بحث از نظریه‌پردازی‌های پیشاتشکیل آن در قبل انقلاب است که مباحث بینشی است. **ایدئولوژیک بودن انقلاب ایران:** در میان نظریه‌پردازی‌ها دو نظرگاه را می‌توان برای انقلاب ایران در نظر گرفت؛ اول: نظریه‌های کلاسیک و مدرن که انقلاب ایران مانند دیگر انقلاب‌ها در جهان به سبب نارضایتی مردم یا تضاد دیالکتیک طبقاتی یا توسط روشنفکران جامعه اتفاق افتاده است (ر.ک: کوهن، ۱۳۸۱: ۱۱۵؛ گولدستون، ۱۳۸۷: ۱۸ و ۶۸؛ دوتوکویل، ۱۳۶۹: ۸۹). طرفداران مارکس که علت هر انقلابی را شورش بازرگانان و سرمایه‌داران تولیدی و بورژوازی علیه فئودال‌ها و طبقه ممتاز زمین‌دار می‌دانند (ر.ک: گدار، ۱۳۹۱: ۶۵؛ منصوری لاریجانی، ۱۳۸۸: ۲۶)؛ یعنی ساخت اقتصادی سبب تعریف رابطه اجتماعی بین طبقات مختلف می‌شود و پرولتاریا (طبقه فقیر و کارگر) بر ضد طبقه استعمارگر بر اساس مشکلات اقتصادی می‌شورد و انقلاب می‌کند (ر.ک: ملکوتیان، ۱۳۷۲:

۴۵- ۵۵). گاهی نیز ریشه انقلاب‌ها را روانشناسانه بیان می‌کنند؛ مانند ایجاد توقعات فزاینده در جامعه و محرومیت نسبی (تیلور، ۱۳۸۷: ۸۲؛ پناهی، ۱۳۸۹: ۷۴) مثلاً آبراهامیان علت انقلاب را فزاینده‌گی توقع مردم از دولت شاه به سبب بالا رفتن درآمد نفتی ایران اما از بُعد روانی می‌داند (عیوضی، ۱۳۹۱: ۱۲۶). این سخن تحلیلی ناقص است؛ زیرا ریشه اصلی ناراحتی اقتصادی مردم، پُرتوقعی، نبوده است بلکه از فساد حاکمیت که در سایه اسلام حداقلی و آمریکایی انجام می‌شده، سرخورده بودند. تدگار نیز با نظریه محرومیت نسبی و تبدیل خواسته به شورش، نگاه سلبی به رفاه اقتصادی مبتنی بر سازمان برای مردم اما در بستر روانی و اجتماعی در علت وقوع انقلاب‌ها داشته که نمی‌تواند علت تاّه برای انقلاب ایران محسوب شود. (زرعائی‌رضایی، ۱۳۸۱: ۳۷-۵۸) و بر انقلاب را مرحله گذار از سنتی به قانونی می‌داند (قره‌گزلو، ۱۳۸۵: ۴۷) که این نیز به‌تنهایی و بدون در نظر گرفتن پشتوانه شریعت گرا برای انقلاب اسلامی ایران خطا است. فراتس فانون هم علت انقلاب‌ها را مبارزه با نژادپرستی می‌داند (ر.ک: کرمی، ۱۳۸۸: ۲۷-۲۹) که این نظر بر انقلاب ایران صادق نیست و بیشتر بر انقلاب‌های سیاه‌پوستان و رنگین‌پوستان بر ضد سفیدپوستان استعمارگر منطبق است.

دوم: انقلاب ایران، ایدئولوژیک و بر اساس محرک‌های دینی است که بیشتر در گفتمان انقلاب اسلامی ملاحظه می‌شود (ر.ک: خرمشاد، ۱۳۸۳: ۱۰۰-۱۰۲). مثلاً اسکاچپول، در ابتدا نظریه ساختاری را عامل انقلاب‌های اجتماعی می‌دانست؛ اما پس از وقوع انقلاب در ایران، بر این باور شد که ایدئولوژی حکومت اسلامی شیعی مهم‌ترین عامل این انقلاب است (ابراهیمی کیاپی، ۱۳۹۳: ۵۹-۶۰).

۴. مؤلفه‌های بینشی مرتبط با ساختار حکومت

مهم‌ترین مؤلفه‌های بینشی قرآنی مربوط به ساختار حکومت برای شکل‌گیری انقلاب اسلامی اعم از تطابقی (علت قریبه) و التزامی (علت بعیده)، ضرورت تشکیل حکومت اسلامی و استمرار برخی شئون پیامبر (ص) در قالب نظریه

ولایت‌فقیه، توجه به بسترسازی برای اقامه قسط و نیز برای اجرای قاعده نفی سیل است. مؤلفه‌های ساختاری غالباً برگرفته از سخنرانی‌های سیزده گانه امام خمینی (ره) در نجف درباره حکومت اسلامی در پیش‌انقلاب در سال ۱۳۴۸ شمسی است که خود نشانه مهمی بر تئوریزه شدن پیش‌نیازهای فکری و بینشی انقلاب چندین سال پیش از تحقق آن است (خمینی، بی‌تا: ۸-۱).

الف) نظریه ولایت‌فقیه

عدم ذکر گزاره‌هایی که از جمله مقوم‌های نظریه ولایت‌فقیه و حکومت اسلامی است که بنای نظری و بینشی آن را امام خمینی (ره) در نجف تبیین نمود، ضروری است؛ بنابراین مؤلفه‌هایی چون باورمندی به ضرورت حکومت، نظام‌سازی یا ساختارگرایی اسلامی در حکمرانی، لزوم اجرای احکام اسلامی به‌عنوان یکی از انگیزه‌های داشتن حکومت اسلامی و همچنین توجه به نقش استمراری حاکم اسلامی در برابر مأموریت‌های پیامبر اکرم (ص) به‌عنوان دفع دخل مقدر مخالفان تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت، مؤلفه نظریه ولایت‌فقیه هستند که خود یکی از مهم‌ترین مقوم‌های بینشی انقلاب اسلامی است.

بنا بر نظریه ولایت‌فقیه امام خمینی (ره)، اگر فردی شایسته به پا خیزد و حکومت اسلامی تشکیل دهد، ولایت رسول (ص) در قسم مدیریت و رهبری جامعه را دارد (ر.ک: خمینی، ۱۳۸۹: ۱۵، ۵۰). در ضرورت اصل ولایت‌فقیه، آیت‌الله بروجردی - بنا بر نقل موجود در تقریرات آیت‌الله منتظری - چند مقدمه ذکر می‌نمایند و سپس نتایجی می‌گیرند:

الف) وجود اموری اجتماعی مثل قضا، سرپرستی اموال افراد نابالغ یا غایب، حفظ نظام و مرز و فرمان جهاد دادن که از وظایف افراد جامعه خارج است؛
ب) توجه سیاسی و اجتماعی بودن برخی احکام اسلام مثل حدود و قصاص و دیه؛

ج) عدم جدایی مدیریت اجتماعی کشور از شئون معنوی برای پیامبر (ص) و امام علی (ع) و نایبان آن‌ها؛

د) عدم وانهادن امت اسلامی به حال خود در زمان غیبت توسط رسول (ص) و ائمه (ع)؛

در نتیجه ناگزیر افرادی - که فقیهان عادل و جامع شرایط هستند - از طرف معصوم (ع) برای امور گفته شده در عصر غیبت تعیین شده‌اند (ر.ک: منتظری، ۱۴۱۱ ق: ۵۲-۵۷).

حال ولی فقیه زمانی مبسوط الید می‌گردد که حکومت اسلامی تشکیل شود؛ اما غالباً به سبب وجود حکومت‌های طاغوت و جور، نیاز به انقلاب هست. در زمینه اصل ولایت، آیه‌ای که بیشتر مورد استدلال قرار گرفته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹) است؛ اما برخی در استدلال برای نظریه ولایت فقیه به آیه مذکور تمسک کرده‌اند. آقا میرزا ولی‌الله اشراقی در حاشیه تفسیر شاهی تألیف ابوالفتح بن مخدوم خادم حسینی عربشاهی معروف به جرجانی - از فقهای عصر صفویه در قرن دهم - با توجه به کنار هم قرار دادن آیه ۵۸ و ۵۹ سوره نساء می‌نویسد که آیات نامبرده، دال بر وجوب ترفع و داوری آن توسط رسول و اولو الامر یعنی ائمه معصومان (ع) و هرکسی که آنان، او را منصوب کنند؛ یعنی فقیه عادل به‌ویژه در زمان غیبت است (جرجانی، ۱۳۶۲: ۲، ۷۵۰).

اما این نکته قابل ذکر است که برخی از مفسران، به سبب ملاک عصمت در اطاعت مطلق، مصداق اولو الامر را منحصر در معصوم می‌دانند که در علما و فقهاء جاری نیست (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳، ۱۰۰؛ صادقی تهرانی، ۱۳۸۸: ۱، ۴۰۴). طبق روایاتی که این آیه را تفسیر یا مورد استشهاد قرار داده‌اند و به‌ویژه تعبیر «إِيَّانَا عَنِّي خَاصَّةً» در برخی روایات (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ۱، ۶۸۹)، مصداق آیه اولو الامر، در معصومان منحصر است و قابل تسری به غیر ائمه اطهار (ع) نیست. البته تبعیت از نمایندگان خاص و عام منصوب شده توسط آن‌ها بر اساس منقولاتی چون توقیع شریف «و اما الحوادث الواقعة...» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲، ۴۸۴) و نیز روایت امام عسکری (ع) که ویژگی‌های فقیه قابل تقلید برای عوام را ذکر می‌کند (عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۲۷، ۱۳۱)، صرفاً تا زمانی است که بر مسیر مستقیم آن معصومان (ع) سلوک نموده و مورد تأیید آن‌ها باشند؛ بنابراین تبعیت مردم از این نمایندگان، خود، تبعیتی تبعی و فرع بر اطاعت از معصومان (ع) است؛ یعنی آن‌ها، اولو الامر حقیقی نیستند بلکه به اذن مشروط معصوم، متنقذ شده‌اند؛

بنابراین استفاده از این آیه در اثبات نظریه ولایت فقیه به صورت مستقیم و بدون استدلال پیش گفته، تمام نیست.

باور به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی: دلالت برخی آیات قرآن بر تشکیل حکومت اسلامی برای به فعلیت رساندن احکام در سطح جامعه قابل بررسی است؛ یعنی برای به حد کمال رساندن عمل به مفاد آیاتی چون «...أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (نساء: ۵۹)؛ لازم است حکومت اسلامی با مقدمیت انقلاب اسلامی تشکیل داد؛ به عبارت دیگر اگر اراده شود که در تمامی ابعاد و شئون به دین اسلام و اوامر خدا عمل شود، لازمه‌اش تشکیل حکومت اسلامی است. چراکه آیه مذکور عام است و همه زمینه‌های نظری و عملی دینی را شامل می‌شود. مفسران به عمومیت آیه در اطاعت از خدا و رسول و اولوا الامر اشاره کرده‌اند (حسنی واعظ، ۱۳۸۱: ۷۱؛ رازی، ۱۴۲۰ ق: ۱۰، ۱۱۵؛ کاشانی، ۱۳۴۱: ۸، ۴۱۶).

این مؤلفه در دو نوع آیات دال بر نظام سازی در ابعاد گوناگون و آیات دال بر اجرای احکام قابل بررسی است:

نظام سازی: آیاتی در قرآن وجود دارند که برای رسیدن به تمامیت نتیجه آن احتیاج به نظام سازی در آن زمینه است. مانند آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» (انفال: ۶۰). آیه گفته شده برای تمامی سرزمین‌ها و اعصار، الهام بخش است؛ زیرا از سلاح منحصر به فردی سخن به میان نمی‌آورد که با مضمی زمان از حیز انتفاع در سطح کلان و ملی و جهانی خارج شود؛ بلکه تعبیر به قوه می‌کند، یعنی مسلمانان برای حفظ آمادگی خود سزوار است از هر سلاحی استفاده کنند؛ در هر عصری به سلاح‌های پیشرفته آن زمان مجهز شوند. واژه قوه حتی سلاح‌های غیر جنگی را هم شامل می‌شود؛ مثلاً ابزار تبلیغاتی که نیرویی برای نابودی روانی دشمن محسوب می‌گردد. در نتیجه هر چیزی که در جنگ با دشمن مفید باشد یا مقابل تجاوز او را بگیرد، مشمول آیه است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۳۰۸). در آیه دیگری آمده است: «وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ» (نساء: ۱۰۲). آیه ذکر شده کیفیت نماز خوف را می‌فرماید و خطاب را متوجه پیامبر (ص) می‌کند؛ ایشان را امام جماعت فرض کرده، می‌فرماید تو

نماز را برای لشکریان اقامه می‌کنی؛ نیمی از سپاه با تو به همراه اسلحه در نماز خوف مشارکت کنند و بعد از اتمام رکعت اول جماعت، رکعت دوم را به سرعت خودشان می‌خوانند، سپس نصفی دیگر از سپاه به جماعت با اقتدا در رکعت دوم به همراه سلاح بایستند. در واقع از قبیل بیان حکم در قالب مثال و نمونه است تا بیان برای شنونده واضح‌تر و مختصرتر و همچنین زیباتر گردد (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ۵، ۶۲). از آیه مذکور می‌توان استنباط نمود که حفظ آمادگی نظامی و تدارکاتی در برابر خطر هجوم دشمنان، وظیفه مسلمانان است.

در صورتی می‌توان به کمال آمادگی درباره آموزه‌های آیات مذکور رسید که تحت نظامی یکپارچه به نام حکومت اسلامی این توانمندی‌ها حاصل شود. اگر حکومت حاکم بر جامعه مسلمانان، غیر اسلامی و غیر الهی و یا طاغوت باشد، تغییر آن با انقلاب به حکومت اسلامی لازم است.

نمونه دیگر آیاتی است مبتنی بر آموزه‌های امنیتی و دشمن‌شناسی برای مسلمانان. در آیه‌ای از قرآن به خطر برخی اهل کتاب و نقشه‌کشی آن‌ها برای مسلمانان هشدار داده شده است (آل عمران: ۶۹). دشمنان به‌ویژه یهودیان جهت دور ساختن اشخاصی که تازه به دین مبین اسلام گرویده بودند، از هیچ کوششی فروگذار نبودند؛ حتی در صحابه خاص پیامبر (ص) طمع داشتند که بتوانند آنان را از اسلام برگردانند که در این صورت ضربه بزرگی بر پیکر اسلام وارد می‌گشت و زمینه برای تزلزل دیگر مسلمانان نیز فراهم می‌شد. آیه موردنظر در ضمن افشای این توطئه، به آنان یادآوری می‌کند دست از کوشش بی‌فایده خود بردارند (ر.ک: رازی، ۱۴۲۰ ق: ۸، ۲۵۵؛ زحیلی، ۱۴۱۸ ق: ۳، ۲۶۰). در آیه دیگری نیز شناخت دشمنان دوست‌نما را توصیه می‌کند: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ...» (مجادله: ۱۴)؛ یعنی آیا ندیدی کسانی را که با گروهی که مورد غضب خداوند بودند، طرح دوستی ریختند؟ مراد از کسانی که با گروه مغضوب، طرح دوستی ریختند، منافقان هستند. از جمله پیام‌های آیه لزوم جدا کردن خودی از غیر خودی و شناخت دشمن و منافق است که نه از مؤمنان هستند و نه از یهودیان (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹، ۳۸۰؛ رازی، ۱۴۲۰ ق: ۲۹، ۴۹۷). به همین سبب، شناخت آن‌ها مشکل است.

نمونه دیگر از آیاتی که نکته‌ای بصیرتی درباره دشمن‌شناسی دارد، این آیه است: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ» (بقره: ۲۰۴) یعنی ای رسول! کسی که از پیش تو بیرون رفت، منافق بوده، وضعش غیرازآن زمانی است که در حضور تو بود، در حضور تو از صلاح و خیر سخن می‌گفت و اینکه در این راه تلاش خواهد نمود؛ اما پس از بیرون شدن در راه فساد و تباهی گری می‌کوشد (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ۲، ۹۶).

آیات مذکور نشان می‌دهد گرچه دشمن‌شناسی حداقلی در قالب فردی امکان‌پذیر است؛ اما شناخت کامل و همه‌جانبه از دشمن با تشکیل حکومت و تدوین تهیه سامانه رصد سیستمی به وقوع می‌پیوندد؛ لذا در صورتی که مسلمانان زیر سایه حکومت غیر اسلامی قرار دارند، ضروری است از زیر سایه‌های تاریک آن با جنبش و نهضت انقلابی بیرون آمده، به تشکیل حکومت پردازد. **فعلیت اجرای احکام:** از دیگر آیات قرآن دال بر ضرورت انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی، آن‌هایی است که بر اجرای احکام و حدود اشاره دارند. به‌عنوان نمونه علامه طباطبایی درباره «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِيَ فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً» (نور: ۲)؛ بر این باور است زدن تازیانه کار کسی است که متولی امور جامعه اسلامی است؛ یعنی پیامبر (ص) و امام و نایب امام (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ۱۵، ۷۹). پس مخاطب «فاجلدوا» همه مسلمانان نیستند بلکه متولیان امر آن‌ها هستند (صادقی تهرانی، ۱۴۳۲ ق: ۲۱، ۲۰). حتی علمای اهل تسنن نیز معتقدند حاکم، متضمن تازیانه زدن به زناکار می‌شود (جصاص، ۱۴۰۵ ق: ۵، ۱۳۱).

همچنین درباره آیه: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» (مائده: ۳۸) مفسران اهل تسنن معتقدند امام و حاکم جامعه اسلامی متولی قطعید سارقان است (جصاص، ۱۴۰۵ ق، ۵، ۱۳۱؛ رازی، ۱۴۲۰ ق، ۷، ۹۲) و متولی بودن امام یا نایبش در حد جاری ساختن بین فقهای عامه اجماعی است (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۲، ۱۶۱).

نمونه دیگر آیه محاربه است: «کیفر کسانی که با خدا و فرستاده‌اش می‌جنگند و برای فساد در زمین می‌کوشند، فقط این است که کشته شوند؛ یا به دار آویخته گردند؛ یا دست‌هایشان و پاهایشان، برخلاف (یکدیگر یعنی یکی از راست و یکی از چپ)، قطع شود؛ یا از سرزمین (خود) تبعید گردند؛ این،

برایشان رسوایی‌ای در دنیا است؛ و در آخرت عذاب بزرگی برایشان است.» (مائده: ۳۳) اختیار اینکه چه نوع حدی از حدود مذکور در آیه بر محارب جاری گردد، به دست امام و حاکم جامعه اسلامی است (طبری، ۱۴۱۲ ق: ۶، ۱۳۸). برای اجرای تمامی حدود گفته شده، لازم است تا متولی آن یعنی رسول و امام و یا نایب آن در قالب حکومت اسلامی و تحت دایره عصمت یا ولایت فقیه عادل ضامن و مجری به فعل آن گردد که التزاماً دلالت بر انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت دارد.

اعتقاد به استمرار برخی شئون پیامبر (ص): شئون پیامبر (ص) در سه شأن رسالت، قضاوت و حکومت شمرده شده است (ر.ک: خمینی، ۱۴۳۴ ق: ۶۶-۶۹؛ مطهری، ۱۳۸۲: ۲۱، ۱۲۰).^۱ آیه «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ» (آل عمران: ۱۴۴)؛ و محمد (ص) جز فرستاده‌ای نیست؛ به یقین پیش از او (نیز) فرستادگان (دیگری) بودند، پس آیا اگر [او] بمیرد و یا کشته شود، به (عقاید کفرآمیز) گذشته‌هایتان بازمی‌گردید؟! هم منطوقاً و هم مفهوماً بیان می‌دارد گستره دین در جامعه نباید قائم به شخص او بلکه قائم به شخصیت وی باشد. شأن رسالت ایشان طبق ضرورت دین و مذهب در بحث خاتمیت (ر.ک: همان) ادامه نمی‌یابد؛ برخلاف دو شأن قضاوت و حکومت حتی در دوران غیبت.

شأن رهبری: زمانی توجه به شأن و جایگاه رهبری یک مؤلفه بینشی برای انقلاب اسلامی ایران محسوب می‌شود که برای فقیه جامع‌الشرایط در عصر غیبت، این شأن را در سطحی بالاتر از ولایت بر امور حسبه و سفها و محجورین یعنی در حد مدیریت سیاسی رهبر جامعه، به‌ویژه در زمینه شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران پذیرفت. بنا بر دیدگاه ولایت مطلقه فقیه، یکی از شئون پیامبر (ص)، قیادت و رهبری جامعه اسلامی است که پس از وی به افضل و اکمل امت یعنی امامان معصوم (ع) می‌رسد (سبحانی، ۱۴۲۱ ق: ۱۲۸). امام خمینی بین فرمان پیامبر و امام در این منصب با اوامر و نواهی آنها در مقام رسالت و امامت

۱- در علم اصول فقه، مفهوم، مقابل منطوق است. منطوق عبارت از آن معنایی است که مستقیماً از لفظ فهمیده می‌شود؛ اما مفهوم مخالف مفهومی است که حکم در آن از نظر نفی و اثبات مخالف حکم موجود در منطوق باشد (ملکی‌اصفهانی، ۱۳۷۹: ۲، ۱۴۹).

تفاوت قائل است. در اینجا خود امر و فرمان موضوعیت دارد؛ اما در مقام تبلیغ و رسالت و امامت، رابطه اوامر و نواهی با مردم، مانند رابطه بین فقیه و مرجع تقلید است که از او تقلید می‌کنند (خمینی، ۱۴۳۴ ق: ۶۷).

شأن داوری: داوری بین مسلمانان نیز از شئون اجتماعی رهبر است که در حل اختلاف‌های بین مردم و نیز بین مسئولان نقش آفرینی می‌کند. این نقش در محدوده زمانی اوج انقلاب در سال ۱۳۵۶ تا به ثمر رسیدن انقلاب و حتی تا استقرار دولت منتخب دائمی، توسط امام خمینی (ره) با تشکیل شورای انقلاب و نیز اظهارنظرهای خاص و تأثیرگذار در آن برهه خود را نشان داده است. قرآن کریم به شأن قضاوت و داوری پیامبر (ص) اشاره کرده است. آنجا که می‌فرماید: «فَلَا وَرَيْكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يَحْكُمُوا بِمَا شَجَرْتَنَاهُمْ...» (نساء: ۶۵). ظاهر سیاق در بدو نظر چنین می‌نماید این آیه رد بر منافقان است که ظاهراً به پیامبر ایمان آوردند و در عین حال داوری را نزد طاغوت می‌برند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ۴، ۴۰۵). پیامبر (ص) خود در مدینه قضاوت می‌نمود و برای شهرهای دیگر افرادی را که صلاحیت داشتند به‌عنوان قاضی اعزام می‌فرمود (صالح، ۱۳۸۵ ق: ۳۱۹). با توجه به ظاهر آیه «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (ص: ۲۶)، قضاوت مربوط به مناصب خلافت است که در پیامبر و امام و نایب امام تجلی می‌یابد (ر.ک: خمینی، ۱۴۲۶ ق: ۲۰).

ب) توجه به بسترسازی برپایی قسط

آیاتی در قرآن موجودند که به اطلاق و عموم خود شامل همه زمان‌ها حتی عصر غیبت نیز می‌شوند و دلالت بر لزوم برپایی قسط در جامعه دارند: مانند آیه «... كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا...» (مائده: ۸) یعنی اسلام تنها توصیه به عدالت نمی‌کند؛ بلکه مهم‌تر از آن اجرای عدالت است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۴، ۳۰۳). زمانی مصداق آیه به کمال می‌رسد که حکومتی اسلامی برای این قیام به قسط پشتوانه قرار گیرد و مؤمنان را در این قیام یاری دهد. صریح‌تر از آیه مذکور، آیه «وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵) است. معنای عدالت در اینجا اعم است از عدالت فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، ولی عدالتی مطلوب است که از درون مردم

بجوشد؛ یعنی وظیفه پیامبران آن است که مردم را طوری هدایت و راهنمایی کنند که خودشان به عدالت قیام کنند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۰، ۲۳۲). به فرموده امام خمینی (ره) قیام به قسط با دخالت سیاسی و اجتماعی حاصل می‌گردد (خمینی، ۱۳۸۹: ۱۵، ۲۱۴). زمانی این هدف به صورت کامل‌تر به دست می‌آید که در قالب حکومت اسلامی به هدایتگری جامعه به سوی عدل و دخالت در امور سیاسی و اجتماعی برای حل مشکلات پرداخته شود. چنانکه امام خمینی (ره) می‌گوید:

«هدف بعثت‌ها به طور کلی این است که مردمان بر اساس روابط اجتماعی عادلانه نظم و ترتیب پیدا کرده، قد آدمیت راست گردانند و این با تشکیل حکومت و اجرای احکام امکان‌پذیر است» (خمینی، ۱۴۳۶ ق: ۷۳).

ج) التفات به اجرا سازی قاعده نفی سبیل

یکی از قاعده‌های فقهی، نفی سبیل است؛ یعنی کافر نباید راه تسلطی بر مسلمان داشته باشد و اگر حکمی از احکام عمومی اسلام باعث تسلط کافر بر مسلمان شود، ملغی شده، قابل عمل نیست و این قاعده بر آن حکومت دارد (جعفری، ۱۳۷۶: ۲، ۵۹۶). از جمله آیاتی که دلالت بر آن قاعده دارد، این آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) است. علامه طباطبایی حکم مذکور در قاعده را از زمان نزول آیه تا ابد به نفع مؤمنان و ضد کافران می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ۵، ۱۱۶). با توجه به افاده عموم نمودن استعمال کلمه سبیل به عنوان نکره در سیاق نفی، کافران در تمامی ابعاد عقیدتی، نظامی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی بر افراد با ایمان مسلط نخواهند شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴، ۱۷۵) و شیخ طوسی این قاعده را عام در تمامی جهات برمی‌شمارد (طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۳، ۱۸۸). علامه حلی به دلیل همین قاعده، اسلام را از شروط عامل زکات می‌داند (حلی، ۱۴۱۲ ق: ۸، ۳۰۷). حتی علامه حسینی تهرانی از آیه مذکور استنباط می‌کند که غیر مسلم نمی‌تواند منصب ولایت فقیه را دست گیرد (حسینی تهرانی، ۱۴۱۸ ق: ۳، ۱۱۱). تبلور کامل این قاعده نیاز به حکومت اسلامی دارد تا در تمامی ابعاد به نظام سازی پردازد و سبیل تسلط دشمن بر جامعه اسلامی را ببندد که طبق عادت عرفی، تشکیل حکومت اسلامی نیاز به انقلاب دارد.

۵. مؤلفه‌های بینشی نهاد مردم

وجود مؤلفه‌های بینشی مرتبط با جامعه یا نهاد مردم در شکل‌گیری انقلاب اسلامی از منظر قرآن، بیشتر متوجه ویژگی‌های درونی چون بصیرت، آگاهی نسبت به جایگاه و نقش استقامت و اتحاد، دشمن‌شناسی، توجه به فضاسازی برای سنت الهی تغییر قوم به دستان خود است که گرچه می‌توان آن‌ها را در بستر فردی نیز ملاحظه نمود؛ اما قیام و انقلاب طبق فرموده قرآن با عبور از فردیت، اولویت می‌یابد: «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ...» (سبأ: ۴۶).

الف) بصیرت

بصیرت راهبر و رهروان او در جامعه از مؤلفه‌های مهم انقلاب اسلامی بوده است که اگر نبود، انقلاب اسلامی ایران به جشن چهل سالگی و پس از آن نمی‌نشست. این مؤلفه هم در ایجاد انقلاب اسلامی مؤثر بود و هم در ابقای آن (ر.ک: لطیفی پاکده، ۱۳۸۷: ۱۱۲). در آیه‌ای آمده است: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي...» (یوسف: ۱۰۳). این نشان می‌دهد رهبر باید دارای بصیرت باشد و هم هر یک از افراد جامعه اسلامی به‌عنوان «داعی الی الله» نسبت به دیگران باید دارای بصیرت باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰، ۹۵). این دعوت باید از روی یقین و آگاهی و روشنائی طلبی (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ ق: ۱۵، ۲۲۷) و نیز بدون ترس و ارتجاع (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق: ۱۲، ۲۸۶) که در آن تقلید کورکورانه صورت نگیرد و به‌دوراز هوای نفس باشد و در اثر فشار قدرت‌ها یا دیگران صورت نگرفته باشد (مدرسی، ۱۴۱۹ ق: ۵، ۲۷۳). اگر این بصیرت در ادامه انقلاب اسلامی یعنی در اداره حکومت اسلامی در میان حاکمان و مردمان نباشد، نمی‌توان توقع به بقاء آن داشت؛ بنابراین ادامه انقلاب و استمرار آن در قالب حکومت اسلامی نشان از وجود بصیرت - حتی به‌اندازه حداقلی - میان حاکمان و مردم است. چراکه در روایت امام صادق (ع) آمده است:

«الْعَامِلُ عَلَىٰ غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَىٰ غَيْرِ طَرِيقٍ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بَعْدًا» (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ۱، ۱۰۶-۱۰۷).

یعنی هر که بدون بصیرت عملی انجام دهد، مثل شخصی است که در بی‌راهه قدم می‌نهد و هرچند سریع‌تر برود، از راه دورتر شود. به همین سبب است

که در قیام جهانی امام مهدی (علیه السلام) باید تمامی یاران خاص ایشان در بصیرت کامل قرار گرفته باشند (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶: ۱۴۴). اهمیت این مؤلفه در حکایت امام خمینی (ره) از شخصی که به ایشان پیشنهاد داده بود نهضت را قدم به قدم پیش برد و عدم پذیرش امام خمینی (ره)، ملاحظه می شود (شیداییان، ۱۳۸۱: ۹۴).

ب) آگاهی نسبت به استقامت

بی شک انقلاب اسلامی ایران با وجود قلت قوه و عُدّه در مقابل رژیم شاهنشاهی ایران، جز با الطاف الهی و امداد غیبی نمی توانست پیروز گردد. این مساعدت های الهی، نتیجه صبر مردم مسلمان و انقلابی بر ظلم ها و سختی ها بود (ر.ک: مظاهری، ۱۳۸۷: ۷۶). چنان که قرآن می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا...» (فصلت: ۳۰). راغب اصفهانی کاربرد استقامت را برای راه مستقیم می داند. به گونه ای که استقامت انسان، ملازمت او در راه مستقیم معنا می شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۶۹۲). گرچه برخی آن را به معنای اعتدال و عدم انحراف به چپ و راست دانسته اند (موسی، ۱۴۱۰ ق: ۱، ۲۲۴)؛ بنابراین استقامت یعنی ملازم بودن انسان به حد اعتدال و عدم انحراف در پیمودن طریق و راه مستقیم (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷، ۳۸۹). بسیاری کسان که ادعای مستقیم بودن دارند؛ اما در عمل استقامت ندارند. افرادی سست عنصر که وقتی منافعشان به خطر می افتد، همان ایمان ضعیف را نیز از دست می دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰، ۲۷۰). به همین سبب است که امام خمینی (ره) با توجه دادن روحانیون و طلاب به این مؤلفه در سخنرانی خود در آخرین روزهای سال ۱۳۴۱ شمسی اقدام نمود (خمینی، ۱۳۸۹: ۱، ۱۶۲).

ج) التفات به نقش اتحاد

نهضت امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی به ثمر نمی نشست، اگر اتحاد بین مردم با یکدیگر و رهبران نهضت وجود نداشت. قرآن کریم می فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳)؛ و همگی به ریسمان خدا، تمسک جوئید و پراکنده نشوید. امام خمینی به آیه گفته شده، در جهت

حفظ وحدت و اتحاد و عدم اختلاف تمسک کرده (ر.ک: خمینی، ۱۳۸۹: ۷، ۹۹) و در جای دیگر وحدت کلمه را از عوامل پیروزی انقلاب اسلامی ایران برشمرده است (همان، ۵، ۵۰۳). امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) درباره اتحاد و عدم تفرقه می‌فرماید:

«إِنَّ الشَّيْطَانَ يُسَيِّ لَكُمْ طَرِقَهُ وَيُرِيدُ أَنْ يَحُلَّ دِينَكُمْ عُقْدَةً عُقْدَةً وَيُعْطِيَكُمْ بِالْجَمَاعَةِ الْفُرْقَةَ وَبِالْفُرْقَةِ الْفِتْنَةَ» (رضی، ۱۴۱۴ ق: ۱۷۸)؛ یعنی بدون شک شیطان راه‌های خود را برای شما هموار می‌کند و می‌خواهد گره‌های محکم دینتان را از پی هم باز کند و به جای اتفاق پراکندگی ایجاد نماید و از پراکندگی فتنه به پا کند.

(د) دشمن‌شناسی

از مهم‌ترین مؤلفه‌های به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی ایران و استمرار آن، شناخت صحیح جامعه اسلامی از حق و مخالفان و دشمنان آن است. حتی برخی آن را یکی از شاخص‌های سیره سیاسی مقام معظم رهبری می‌دانند (طباطبایی یزدی، ۱۳۹۵: ۹۰). مردم به این باور رسیده بودند که رژیم پهلوی از مصادیق دشمن اسلام و حکومت طاغوت است؛ لذا با انقلاب اسلامی بدین آیه عمل نمودند که «لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶)؛ و به یقین در هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم (تا بگویند) که: خدا را پرستید؛ و از طغیانگر (ان و بت‌ها) دوری کنید. پیامبر (ص) در مورد ضرورت شناخت دشمن خدا می‌فرماید:

«أَلَا وَانْ أَعْقِلِ النَّاسِ عَبْدٌ عَرَفَ رِبَّهُ فَأَطَاعَهُ وَعَرَفَ عَدُوَّهُ فَعَصَاهُ» (دیلمی، ۱۴۰۸ ق: ۳۳۷).

یعنی آگاه باشید که عاقل‌ترین مردم آن است که نسبت به پروردگارش معرفت پیدا کرده، پس او را اطاعت کند و دشمن خودش یا دشمن پروردگارش را بشناسد تا او را نافرمانی کند.

در آیه‌ای از قرآن به خطر برخی اهل کتاب و دشمنان هشدار داده شده است: «وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ» (آل عمران: ۶۹)؛ گروهی از اهل کتاب دوست دارند که شما را گمراه کنند؛ ولی جز خودشان را گمراه نمی‌کنند و (این را) نمی‌فهمند. دشمنان

اسلام به‌ویژه یهودیان برای دور ساختن تازه‌مسلمانان از اسلام، از هیچ‌گونه کوشش فروگذار نبودند. آیه مذکور ضمن افشای این نقشه دشمنان، به آن‌ها یادآور می‌شود که دست از کوشش بیهوده خود بردارند. غافل از اینکه تربیت مسلمانان در مکتب پیامبر (ص) به اندازه‌ای حساب‌شده و آگاهانه بود که احتمال بازگشت وجود نداشت. آن‌ها اسلام را با تمام هستی خود دریافته بودند و به آن عشق می‌ورزیدند؛ بنابراین دشمنان نمی‌توانستند آن‌ها را گمراه سازند (ر.ک: رازی، ۱۴۲۰ ق: ۸، ۲۵۵؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۲، ۶۰۹-۶۱۰؛ زحیلی، ۱۴۱۸ ق: ۳، ۲۶۰). این آیه خبر از کینه‌های مکتبی می‌دهد و یکی از پیام‌های آن، این است که شناخت دشمن و برنامه‌های او، لازمه درامان ماندن از آسیب‌های احتمالی است (قرائتی، ۱۳۸۳: ۱، ۵۳۷). در آیه دیگری نیز شناخت دشمنان دوست‌نما را توصیه می‌کند: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَ يُحْلِفُونَ عَلَى الْكُذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (مجادله: ۱۴)؛ آیا ندیدی کسانی را که با گروهی که مورد غضب خداوند بودند، طرح دوستی ریختند؟ آن‌ها نه از شما هستند و نه از آنان و با این که خود می‌دانند به دروغ سوگند می‌خورند (که از شما هستند). ازجمله پیام‌های آیه پیش‌گفته، لزوم جدا کردن خودی از غیرخودی و شناخت دشمن و منافق است (ر.ک: مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۳، ۴۵۶؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۹، ۵۲۰).

۵) توجه به سنت الهی تغییر اجتماعی

قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱)؛ در حقیقت خدا آن (سرنوشتی) که در قومی است را تغییر نمی‌دهد تا اینکه آنچه را در خودشان است، تغییر دهند. ملت ایران پی بردند برای نیل به اهداف بشری و الهی که از ارزش‌های دینی و انسانی نشئت گرفته بود، باید دست به تغییر بزنند و آن‌هم یک تغییر اساسی در نظام حکومتی به‌وسیله انقلاب اسلامی. به همین جهت، امام خمینی (ره) با استناد به آیه مذکور، لزوم تغییر در جامعه را آن‌هم تغییر دائمی و مستمر که به نفع افراد باشد را گوشزد می‌نماید (خمینی، ۱۳۸۹: ۱۰، ۱۲۸).

برخی مفسران آیه موردبحث را مربوط به کفران نعمت یک قوم و تبدیل نعمت

به نعمت دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶، ۴۳۲). نیز در روایات ذیل آیه مذکور آمده است: سنت خدا این است که از بنده، نعمتی را سلب نمی‌کند مگر اینکه بنده دچار گناهی شود که باعث از بین رفتن نعمت گردد (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق: ۳، ۶۱). آیت‌الله مکارم‌شیرازی آیه را متولّی بیان یک اصل می‌داند؛ یعنی هر تغییری در بیرون از افراد و در سطح جامعه مانند انقلاب، تشکیل حکومت، نظام‌سازی، تمدن‌سازی بخواهد شکل گیرد، با تغییر در درون افراد شروع می‌شود (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰، ۱۴۵). در واقع جامعه‌ای که بتواند با گناه‌های شخصی و هوای نفس و نیز ظلم مبارزه نماید، می‌تواند نعمت عدل اجتماعی را تناول کرده و آن را در دستان خود نگه دارد (مغنیه، ۱۴۲۴ ق: ۴، ۳۸۵-۳۸۶). این نشان می‌دهد انقلاب اسلامی ایران از روح پاک مردمی برخاست که برای از بین بردن ظلم و برپایی عدل به پا خاستند.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان از قرآن آیاتی را پیدا نمود که بعید نمی‌نماید دلالت بر مؤلفه‌های بینشی یعنی مرتبط با نظر و عقیده دارد و در شکل‌گیری انقلاب اسلامی نقش داشته‌اند. بر اساس چارچوب نظری پژوهش حاضر، یعنی التفات به ایدئولوژیکی بودن انقلاب اسلامی ایران و به تبع آن راهبری بر اساس آموزه‌های اسلامی، مؤلفه بینشی مرتبط با ساختار حکومت را باید در نظریه ولایت‌فقیه در عصر غیبت با توجه به مَقْوَم آن یعنی امتدادی بودن برخی شئون مدیریتی و اجتماعی و قضایی پیامبر (ص) دانست. از سوی دیگر دیدگاه تئوریک انقلاب اسلامی ایران بر اساس نظریه مردم‌سالاری دینی به تأسیس جمهوری اسلامی ایران منجر شده است؛ از این رو فهم نقش مردم در یک حکومت دینی مبتنی بر کشف مؤلفه‌های بینشی مرتبط با آن در سازواره انسان‌شناختی - جامعه‌شناختی با تکیه بر فراوانی آن‌ها در کلام امامین انقلاب است. مؤلفه‌های بینشی مرتبط با ساختار حکومت بر این اساس به دو قسم آیات دلالت‌کننده بر ضرورت تشکیل حکومت اسلامی ناظر به انقلاب اسلامی ایران یعنی مربوط به باورداشت ضرورت تشکیل حکومت اسلامی و سپس استمرار آن در قالب نظام

سازی حکومتی - اجتماعی مبتنی بر آموزه دینی است که قوام آن به قسم شئون رهبر انقلاب و مؤسس حکومت از منظر دین در شکل ساختار دینی آن یعنی ولایت فقیه در عصر غیبت و استمرار قهقرایی برخی شئون پیامبر (ص) در عصر حکومت ایشان است. از این رو نظریه ولایت فقیه، استمرار برخی شئون پیامبر (ص)، توجه به ملزومات نظری بستر ساز قاعده نفی سبیل و برپایی قسط به عنوان تضمین دهنده الزام آوری انقلاب اسلامی و تشکیل و بقای حکومت دینی در مواجهه با دشمنان را می توان به عنوان مؤلفه های بینشی مرتبط با ساختار نامبردار بود؛ اما مؤلفه های بینشی با منشأ نهاد مردم و با توجه به عنصر مهم نظریه حکومت دینی مردم نهاد یا مردم سالاری دینی در تکوین خودمختار یک انقلاب از جمله انقلاب اسلامی ایران یا شکل گیری آگاهانه آن بر اساس نظریه دوم اسکاچپول که از یک سو در کلام رهبران انقلاب اسلامی ایران پرتکرار بوده و از سوی دیگر با عرضه به قرآن، قابلیت استناد به قرآن پیدا نموده است و از حیث دیگر یک مؤلفه انسانی - اجتماعی در مواجهه با خود اجتماعی انسان و نیز در مواجهه با دشمن بیرونی انقلاب یا دشمن موافق با ساختار حکومتی پیشا انقلاب است را می توان این گونه نام برد: بصیرت، آگاهی نسبت به جایگاه و نقش استقامت و اتحاد، دشمن شناسی و داشتن شناخت نسبت به سنت الهی تغییر نیافتن یک قوم مگر به اراده و خواست خودشان نسبت به تغییر. از این رو می طلبد تا پژوهشگران حیطه زمینه ها و عوامل انقلاب اسلامی با نگاه دینی و ایدئولوژیک به تکمیل این پژوهش با پیگیری در بیانات و دیدگاه های نظریه پردازهای نخستین برخاسته از دامن انقلاب اسلامی ایران مانند شهید بهشتی و شهید مطهری پردازند.

منابع

- * قرآن کریم.
- ۱- ابراهیمی کیایی، هادی (۱۳۹۳). نسبت انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی (تونس و مصر)، تهران، الهدی.
 - ۲- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵). کمال‌الدین و تمام النعمة، تهران، اسلامیه.
 - ۳- اخترشهر، علی و دیگران (۱۳۸۳). طرحی نو در تبیین انقلاب اسلامی، قم، پاد اندیشه.
 - ۴- اسماعیلی، محمد (۱۳۹۶). بررسی مبانی قرآنی انقلاب اسلامی ایران، مجموعه مقالات برگزیده دهمین همایش بین‌المللی پژوهش‌های قرآنی، ص ۱۱-۴۳.
 - ۵- امیری طهرانی‌زاده، محمدرضا (۱۳۹۹). پیش‌درآمدی بر مسئله شناسی علوم اجتماعی در ایران، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 - ۶- بشریه، حسین (۱۳۷۳). انقلاب و بسیج سیاسی، تهران: دانشگاه تهران.
 - ۷- بهشتی، مصطفی حسن (۱۳۸۸). مبانی قرآنی انقلاب اسلامی از نگاه امام خمینی (رحمة‌الله)، ج ۱، تهران، مجموعه مقالات همایش اندیشه‌های قرآنی امام خمینی، ص ۳۶۸-۳۹۲.
 - ۸- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۹). نظریه‌های انقلاب، وقوع، فرآیند و پیامدها، تهران، انتشارات سمت.
 - ۹- پوپر، کارل (۱۳۶۷). درس‌های این قرن، ترجمه: علی پایا، تهران، طرح نو.
 - ۱۰- تیلور، آستین (۱۳۸۷). علوم اجتماعی و انقلاب‌ها، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران، شاهد.
 - ۱۱- جرجانی، ابوالفتح (۱۳۶۲). تفسیر شاهی، تهران، نوید.
 - ۱۲- جرجانی، علی (۱۳۷۰). التعریفات، تهران، ناصرخسرو.
 - ۱۳- جعفری، یعقوب (۱۳۷۶). تفسیر کوثر، قم، هجرت.
 - ۱۴- حسنی واعظ، محمود (۱۳۸۱). دقائق التأویل و حقائق التنزیل، تهران، میراث مکتوب.
 - ۱۵- حسینی طهرانی، محمدحسین (۱۴۱۸ ق). ولایة الفقیه فی حکومتة الإسلام، بیروت، دار المحجة البيضاء.
 - ۱۶- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۲ ق). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية.
 - ۱۷- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۳). «بازتاب انقلاب اسلامی ایران در نظریه‌های انقلاب: تولد و شکل‌گیری نسل چهارم تئوری‌های انقلاب»، مجله جامعه‌شناسی ایران، ش ۱۹، ص ۸۶-۱۲۳.
 - ۱۸- خسرو پناه، عبدالحسین (۱۴۰۰). نظریه‌پردازی در علوم انسانی حکمی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
 - ۱۹- خمینی، روح‌الله (۱۴۲۶ ق). الإجتهد و التقليد، تهران، مؤسسة تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی (ره).
 - ۲۰- خمینی، روح‌الله (۱۴۳۴ ق). أنوار الهدایة فی التعليقة علی الکفاية، تهران، مؤسسة تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی (ره).
 - ۲۱- خمینی، روح‌الله (بی‌تا). ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی، تهران، مؤسسة تنظیم و نشر آثار

- الإمام الخميني (ره).
- ۲۲- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۲۳- خمینی، روح‌الله (۱۴۳۶). ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۲۴- دوتوکویل، الکسی (۱۳۶۹). انقلاب فرانسه و رژیم پیش از آن، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نقره.
- ۲۵- دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۰). فرهنگ متوسط دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
- ۲۶- دیلمی، حسن (۱۴۰۸ ق). أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم، مؤسسة آل البيت (ع).
- ۲۷- رازی، فخرالدین (۱۴۲۰ ق). مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۲۸- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ ق). مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دار الشامیه.
- ۲۹- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- ۳۰- رضی، محمد (۱۴۱۴ ق). نهج البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، قم، هجرت.
- ۳۱- ریویر، کلود (۱۳۹۷). جامعه انسان‌شناسی ادیان، ترجمه: علیرضا خدای، تهران، نشر نی.
- ۳۲- زاده علی، داود (۱۳۹۲). شرح و بازخوانی وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی (ره)، قم، دفتر نشر معارف.
- ۳۳- زبیدی، محمد (۱۴۱۴ ق). تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار الفکر.
- ۳۴- زحیلی، وهبه (۱۴۱۸). التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، دمشق، دار الفکر المعاصر.
- ۳۵- زراعتی رضایی، شاهین (۱۳۸۱). فرآیند تبدیل خواسته به شورش، پژوهش‌های دانش انتظامی، ش ۱۵، ص ۳۶-۶۷.
- ۳۶- جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ ق). احکام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۳۷- ساروخانی، باقر (۱۳۹۳). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۳۸- سبحانی، جعفر (۱۴۲۱ ق). الأضواء علی عقائد الشیعة الإمامیه، قم، دار مشعر.
- ۳۹- شریفی، حسن پاشا (۱۳۸۴). اصول روان‌سنجی و روان‌آزمایی، تهران، رشد.
- ۴۰- شیدا بیان، حسین (۱۳۸۱). عوام و خواص از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران، پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
- ۴۱- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۸۸). ترجمان فرقان، قم، شکرانه.
- ۴۲- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۳۲ ق). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم، فرهنگ اسلامی.
- ۴۳- صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۸۶). نوید امن‌وامان، قم، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی.
- ۴۴- صالح، صبحی (۱۳۸۵ ق). النظم الاسلامیه، بیروت، دار العلم للملایین.
- ۴۵- صدیقی، وحیدالزمان (۱۳۷۸). انقلاب اسلامی ایران از نگاه دیگران، ترجمه روئین تن،

- تهران، اطلاعات.
- ۴۶- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ۴۷- طباطبایی یزدی، احمد و دیگران (۱۳۹۵). *چلچراغ*، تهران، دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام).
- ۴۸- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع‌البیان فی علوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- ۴۹- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق). *جامع‌البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار‌المعرفة.
- ۵۰- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ ق). *الخلاف*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۵۱- عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). *وسائل‌الشیعة*، قم، مؤسسه آل‌ال‌بیت (ع).
- ۵۲- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۱). *درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران*، قم، نشر معارف.
- ۵۳- فضل‌الله، محمدحسین (۱۴۱۹ ق). *من وحی القرآن*، بیروت، دار‌الملاک.
- ۵۴- فیض‌کاشانی، محمد (۱۴۱۵ ق). *تفسیر‌الصادقی*، تهران، مکتبه‌الصدر.
- ۵۵- قرآنی، محسن (۱۳۸۳). *تفسیر‌نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۵۶- قرطبی، محمد (۱۳۶۴). *الجامع‌لأحكام القرآن*، تهران، ناصرخسرو.
- ۵۷- قره‌گزلو، ناصر (۱۳۸۵). *از انقلاب اسلامی تا انقلاب سفید*، پاریس، بی‌نا.
- ۵۸- کاشانی، فتح‌الله (۱۳۴۱). *منهج‌الصادقین فی إلزام‌المخالفین*، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
- ۵۹- کوهن، استفنود (۱۳۷۰). *تئوری‌های انقلاب*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، پیک ایران.
- ۶۰- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ ق). *الکافی*، قم، دار‌الحديث.
- ۶۱- گدار، فیلیپ (۱۳۹۱). *در ستایش تن‌آسانی*، ترجمه بهروز صفدری، تهران، نشر کلاغ.
- ۶۲- گولدستون، جک (۱۳۸۷). *مطالعات نظری تطبیقی و تاریخی درباره انقلاب‌ها*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، نشر کویر.
- ۶۳- لطیفی‌پاکده، لطفعلی (۱۳۸۷). *تحلیل انقلاب اسلامی*، تهران، پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
- ۶۴- لک‌زایی، رضا (۱۳۹۹). *بازخوانی کاریست قرآن مجید در انقلاب اسلامی با تأکید بر اندیشه سیاسی امام خمینی*، حکومت اسلامی، ش پیاپی ۹۷، ص ۲۷-۴۸.
- ۶۵- کرمی، محمد (۱۳۸۸). *ماهنامه فردوسی*، تهران، مجله فردوسی.
- ۶۶- محمدی، محمدعلی (۱۳۹۷). *مبانی انقلاب اسلامی در قرآن و روایات (با تأکید بر دیدگاه امام و آیت‌الله خامنه‌ای)*، پاسدار اسلام، ش ۴۳۵-۴۳۶، ص ۴۲-۴۵.
- ۶۷- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، تهران، صدرا.
- ۶۸- مطهری، مرتضی (۱۳۹۳). *یادداشت‌های استاد مطهری*، تهران، صدرا.
- ۶۹- مظاهری، حسین (۱۳۸۷). *اخلاق در اداره*، قم، بوستان کتاب.
- ۷۰- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ ق). *التفسیر‌الکاشف*، قم، دار‌الکتاب‌الإسلامی.
- ۷۱- مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). *آیات ولایت در قرآن*، قم، نسل جوان.
- ۷۲- مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، تهران، دار‌الکتب‌الإسلامیة.

- ۷۳- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۹۰). زمینه‌ها عوامل و بازتاب جهانی انقلاب اسلامی رهیافت فرهنگی، قم، نشر معارف.
- ۷۴- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۷۲). سیری در نظریه‌های انقلاب، تهران، قومس.
- ۷۵- ملکی اصفهانی، مجتبی (۱۳۷۹). فرهنگ اصطلاحات اصول، قم، عالمه.
- ۷۶- منتظری، حسینعلی (۱۴۱۱ ق). البدر الزاهر (تقریرات درس صلوة الجمعة والمسافر آية الله بروجردی)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۷۷- منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۸۸). انقلاب اسلامی و اولویت‌های آن، قم، خادم الرضا (ع).
- ۷۸- منوچهری، عباس (۱۳۸۰). نظریه‌های انقلاب، تهران، سمت.
- ۷۹- موسی، حسین یوسف (۱۴۱۰ ق). الإفصاح فی فقه اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۸۰- هوکسما، نولن و دیگران (۱۳۸۶). زمینه روانشناسی هیلگارد، ترجمه: نصرت‌الله پورافکاری، تهران، شهرآب و آینده‌سازان.



References

* The Holy Quran.

- 1- Akhtarshahr, Ali et al. (1383). A New Project in Explaining the Islamic Revolution, Qom, Pad Andisheh.
- 2- Al-Amili, Muhammad bin Hasan (1409 AH). Was'al al-Shi'a, Qom, Aal al-Bayt Institute (A.S.).
- 3- Al-Deylami, Hasan (1408 AH). Alam al-Din fi Sifat al-Mu'minin, Qom, Aal al-Bayt (A.S.) Foundation.
- 4- Al-Hasani Waiz, Mahmoud (1381). Daqa'iq al-Ta'wil wa Haqa'iq al-Tanzil, Tehran, Miras Maktoob.
- 5- Al-Hilli, Hasan bin Yusuf (1412 AH). Muntaha al-Matlab fi Tahqiq al-Mazhab, Mashhad, Islamic Research Institute.
- 6- Al-Jassas, Ahmad bin Ali (1405 AH). Ahkam al-Qur'an, Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- 7- Al-Jurjani, Abul Fath (1362). Tafsir Shahi, Tehran, Navid.
- 8- Al-Jurjani, Ali (1370). Al-Tarif, Tehran, Nasser Khosro.
- 9- Al-Kashani, Fathullah (1341). Manhaj al-Sadiqin fi Ilzam al-Mukhalifin, Tehran, Is-lamiya bookstore.
- 10- Al-Qurtubi, Muhammad (1364). Al-Jami' li Ahkam al-Qur'an, Tehran, Naser Khosrow.
- 11- Al-Radi, Fakhrudin (1420 AH). Mafatih al-Ghaib, Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- 12- Al-Radiy, Muhammad (1414 AH). Nahj al-Balagha, Research: Sobhi Saleh, Qom, Hijrat.
- 13- Al-Raghib Al-Isfahani, Hussein (1412 AH). Mufradat Alfaz al-Qur'an, Beirut, Dar al-Shamiya.
- 14- Al-Tabari, Muhammad bin Jarir (1412 AH). Jami al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut, Dar al-Ma'rifa.
- 15- Al-Tabarsi, Fazl bin Hasan (1372). Majma al-Bayan fi Ulum al-Qur'an, Tehran, Naser Khosrow.
- 16- Al-Tusi, Muhammad bin Hassan (1407 AH). Al-Khilaf, Qom, Islamic Publications Office.
- 17- Al-Zubaidi, Muhammad (1414 AH). Taj al-Arous min Jawahir al-Qamous, Beirut, Dar al-Fikr.
- 18- Al-Zuhaili, Wahba (1418). Al-Tafsir al-Munir fi al-Aqeedah wa al-Shari'a wa al-Man-haj, Damascus, Dar al-Fikr al-Mu'asir.
- 19- Amiri Tehranizadeh, Mohammad Reza (1399). An introduction to Social Science Problemology in Iran, Tehran, Research Institute of Humanities and Cultural Studies.
- 20- Beheshti, Mostafa Hasan (1388). Quranic Foundations of the Islamic Revolution from the Perspective of Imam Khomeini (RA), vol. 1, Tehran, Collection of Imam Khomeini's Quranic Thoughts Conference, pp. 368-392.
- 21- Boshrieh, Hossein (1373). Revolution and Political Mobilization, Tehran: University of Tehran.
- 22- Cohen, Stanford (1370). Revolution Theories, translated by Alireza Tayeb, Tehran, Peyk Iran.
- 23- Dehkhoda, Ali Akbar (1390). Middle Size of Dehkhoda, Tehran, University of Tehran.
- 24- Dutokoil, Alexey (1369). The French Revolution and the Regime before it, translated by Mohsen Tholathi, Tehran, Silver.
- 25- Ebrahimiakiyep, Hadi (1393). The Relation between Islamic Revolution and Islamic Awakening (case study: Tunisia and Egypt), Tehran, Al-Hadi.
- 26- Eyvazi, Mohammad Rahim (1391). Analytical Introduction to the Islamic Revolution of Iran, Qom, Maarif Publishing House.
- 27- Fadlullah, Muhammad Hossein (1419 AH). Min Wahy Al-Qur'an, Beirut, Dar al-Malak.

- 28- Faiz Kashani, Muhammad (1415 AH). Tafsir Al-Safi, Tehran, Al-Sadr Bookstore.
- 29- Godard, Philip (1391). In Praise of Idleness, translated by Behrouz Safdari, Tehran, Kalagh Publishing House.
- 30- Goldstone, Jack (1387). Comparative and historical-theoretical studies about revolutions, translated by Mohammad Taghi Delfrooz, Tehran, Kavir.
- 31- Hoeksma, Nolen et al. (1386). Hilgard's Field of Psychology, translated by: Nusratullah Pour Afkari, Tehran, Shahrab and Ayandesazan.
- 32- Hosseini-Tehrani, Mohammad Hossein (1418 AH). Wilayat Al-Faqih fi Hukoumat al-Islam, Beirut, Dar Al-Muhajja al-Bayda.
- 33- Ibn Babwayh, Muhammad bin Ali (1395). Kamal Al-Din wa Tamam Al-Ni'mah, Tehran, Islamia.
- 34- Ismaili, Mohammad (1396). Examining the Quranic Foundations of Iran's Islamic Revolution, a collection of selected articles of the 10th International Conference on Quranic Studies, pp. 43-11.
- 35- Jafari, Yaqoub (1376). Tafsir Kawsar, Qom, Hijra.
- 36- Karami, Mohammad (1388). Ferdowsi Monthly, Tehran, Ferdowsi Magazine.
- 37- Khomeini, Ruhollah (1389). Sahifeh Imam, Tehran, Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini (RA).
- 38- Khomeini, Ruhollah (1426 AH). Al-Ijtihad wa Al-Taqlid, Tehran, Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Al-Khomeini (RA).
- 39- Khomeini, Ruhollah (1434 AH). Anwar al-Hidaya fi al-Ta'liqah ala al-Kifaya, Tehran, Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Al-Khomeini (RA).
- 40- Khomeini, Ruhollah (1436). Velayat-e-Faqih, Tehran, Institute for editing and publishing the works of Imam Khomeini (RA).
- 41- Khomeini, Ruhollah (n.d). Velayat al-Faqih; Islamic Government, Tehran, Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Al-Khomeini (RA).
- 42- Khorramshad, Mohammad Baqir (1383). "Reflection of the Islamic Revolution of Iran in the Theories of the Revolution: the birth and formation of the fourth generation of theories of the revolution", Iranian Journal of Sociology, vol. 19, pp. 123-86.
- 43- Khosrow Panah, Abdul Hossein (1400). Theorizing in Wisdom-based Humanities, Tehran, Allameh Tabatabai University.
- 44- Kulaini, Muhammad bin Yaqub (1429 AH). Al-Kafi, Qom, Dar Al-Hadith.
- 45- Lakzaei, Reza (1399). Rereading the application of the Holy Quran in the Islamic Revolution with an emphasis on the political thought of Imam Khomeini on Islamic Government, vol. 97, pp. 27-48.
- 46- Latifi Pakdeh, Lof Ali (1387). Analysis of the Islamic Revolution, Tehran, Islamic Research Institute.
- 47- Makarem Shirazi, Nasir (1374). Tafsir Nomooneh, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- 48- Makarem Shirazi, Nasir (1386). The Verses of Wilayat in the Qur'an, Qom, Nasl Javan.
- 49- Malakutian, Mustafa (1372). A Survey of the Theories of Revolution, Tehran, Qomes.
- 50- Malakutian, Mustafa (1390). Contexts, Factors and Global Reflection of the Islamic Revolution, Cultural Approach, Qom, Maarif Publishing House.
- 51- Maleki Esfahani, Mojtaba (1379). Glossary of Al-Usul terms, Qom, Allameh.
- 52- Manouchehri, Abbas (1380). Revolution Theories, Tehran, Samt.
- 53- Mansouri Larijani, Ismail (1388). Islamic Revolution and its Priorities, Qom, Khadim al-Reza (AS).
- 54- Mazaheri, Hossein (1387). Ethics in Administration, Qom, Bo'stan Kitab.
- 55- Mohammadi, Mohammad Ali (1397). The foundations of the Islamic revolution in

- the Qur'an and hadiths (with emphasis on the views of the Imam Khomeini and Ayatollah Khamenei), Pasdar Islam, vol. 435-436, pp. 42-45.
- 56- Montazeri, Hossein Ali (1411 AH). Al-Badr al-Zahir (Taqrirat of Ayatollah Borujerdi's Lessons of Jum'ah and Traveler Prayer), Qom, Islamic Propaganda Office.
- 57- Motahari, Morteza (1382). The collection of works of Professor Shahid Motahari, Tehran, Sadra.
- 58- Motahari, Morteza (1383). Notes of Professor Motahari, Tehran, Sadra.
- 59- Mughniyah, Mohammad Jawad (1424 AH). Al-Tafsir al-Kashif, Qom, Dar al-Kitab al-Islami.
- 60- Musa, Hussein Yusuf (1410 AH). Al-Ifsah fi Fiqh al-Lugha, Qom, Maktab al-Ilam al-Islami.
- 61- Panahi, Mohammad Hossein (1389). The Theories of Revolution, Occurrence, Process and Consequences, Tehran, Samt Publications.
- 62- Popper, Karl (1367). Lessons of this Century, translation: Ali Paya, Tehran, New Design.
- 63- Qaraeti, Mohsen (1383). Tafsir Noor, Tehran, Cultural Center of Lessons from the Qur'an.
- 64- Qaraghozlu, Naser (1383). From the Islamic Revolution to the White Revolution, Paris, s.n.
- 65- Rezaei Esfahani, Mohammad Ali (1387). Tefsir Quran Mehr, Qom, researches on the interpretation and sciences of the Qur'an.
- 66- Riviere, Claude (1397). Society of Anthropology of Religions, translation: Alireza Khoddami, Tehran, Ney publication.
- 67- Sadeghi Tehrani, Mohammad (1388). Tarjuman Forqan, Qom, Shokrane.
- 68- Sadeghi Tehrani, Muhammad (1432 AH). Al-Furqan fi Tafsir Al-Qur'an bil-Qur'an wa al-Sunnah, Qom, Islamic Culture.
- 69- Safi Golpaigani, Lotfollah (1386). Navid Amn wa Aman, Qom, Office of Preserving and Publishing the Works of Hazrat Ayatollah Uzma Safi Golpayegani.
- 70- Saleh, Sobhi (1385 AH). Al-Nuzum al-Islamiyya, Beirut, Dar al-Ilm lil-Malayin.
- 71- Sarukhani, Baqir (1393). Research Methods in Social Sciences, Tehran, Research Institute of Humanities and Cultural Studies.
- 72- Seddiqi, Vahiduzzaman (1378). Iranian Islamic Revolution from the perspective of others, translated by Ruin Tan, Tehran, Ettelaat.
- 73- Sharifi, Hasan Pasha (1384). The Principles of Psychometrics and Psychoanalysis, Tehran, Roshd.
- 74- Sheidaiyan, Hossein (1381). Awam and Khawass from the Perspective of Imam Khomeini (RA), Tehran, Islamic Research Institute.
- 75- Sobhani, Jafar (1421 AH). Al-Adwa ala Aqa'id al-Shi'a al-Imamiya, Qom, Dar Mash'ar.
- 76- Tabatabai, Mohammad Hossein (1390 AH). Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut, Al-Alami Foundation for Press.
- 77- Tabatabai Yazdi, Ahmed et al. (1395). Chelcheragh, Tehran, Imam Hossein (AS) University.
- 78- Taylor, Austin (1387). Social Sciences and Revolutions, translated by Ali Morshedizad, Tehran, Shahid.
- 79- Zadeh Ali, Davood (1392). Explanation and Re-reading of Imam Khomeini's Political-Divine Will, Qom, Ma'arif Publishing House.
- 80- Zeraati Rezaei, Shahin (1381). The Process of Turning a Desire into a Riot, Police Science Research, Vol. 15, pp. 36-67.